

بستر جغرافیایی تهدیدهای بیرونی مطالعه موردی: حاشیه دریای مازندران

Hassan Kamran, Ph.D
Tehran University
Yadollah Karimi-Poor, Ph.D
Tehran Teacher Training University

The Geographical Base of External Threatening (I.E. Margin of Caspian Sea)

The national continuance is a stable and immutable aim of any government of state. This in turn, is affected by the national security. The influence of geographical position has often been ignored in national security or not been considered with the importance it deserves. Based on reasons presented in this research, the basic and main aspects of external threats, or, on the contrary, the internal calmness and stability of governments are all influenced by geographical position, or in other words, their international environment in the outset of the twenty first century.

Based on some achievements of this analytical study, national security of each country with respect to external threats is strongly influenced by five environmental factors:

The number of neighbours, the extent of security and stability of the area, the number of regional unions, the degree of their internal solidarity, and the range of strategic importance of the region and country based on universal standards, and the number of ideological neighboring governments.

This article also has tried to shortly analyze the function and effect of these five sources of geographical act, among Littoral states of the caspian sea.

KEY WORDS: External Threatening, National Security, Regional Security, Neighbors, Ideological Government.

خلاصه

بقای ملی هدف غیر قابل تغییر و ثابت هر دولت-کشوری است؛ این مقوله به نوبه خود متأثر از امنیت ملی است. در سال‌های اخیر، اغلب، نقش موقعیت جغرافیایی در امنیت ملی

نادیده انگاشته شده و یا کم اهمیت تصور می شود. این در حالی است که بنا به استدلال‌های این پژوهش، بستر و زمینه‌های اصلی تراکم تهدیدهای جانبی یا برعکس آرامش و ثبات دولت - کشورها، در آستانه قرن بیست و یکم، هنوز متأثر از موقعیت جغرافیایی یا به عبارت دیگر محیط بین‌المللی آنها است.

بر اساس برخی دستاوردهای این پژوهش، امنیت ملی هر کشوری در بُعد تهدید بیرونی به شدت از پنج عامل محیطی تأثیرپذیر است:

تعداد همسایگان، درجه امنیت و ثبات منطقه، تعداد اتحادیه‌های منطقه‌ای و درجه استواری و استحکام پیوندهای درونی آنها، میزان اهمیت استراتژیک منطقه و کشور در مقیاس جهانی، و تعداد دولتهای ایده‌ثولوژیک جانبی.

مقاله همچنین درصدد برآمده است تا کارکرد و نقش این پنج منبع جغرافیایی را بین اعضای کشورهای حاشیه دریایی خزر مورد بررسی اجمالی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: تهدید بیرونی - امنیت ملی - امنیت منطقه‌ای - همسایگان - دولت ایده‌ثولوژیک

مقدمه

امنیت ملی دولت - کشورها، به شدت متأثر از فضای استراتژیک مسلط بر امنیت منطقه‌ای است. فضای استراتژیک منطقه‌ای نیز خود متأثر از مقوله تهدید است. از مفهوم تهدید، تعبیرها و تعریف‌های گوناگونی شده است؛ شاید بتوان تهدید را، پدیده‌ای دانست که می‌تواند نظم یا ترتیب معمول کشور را دچار اختلال کند و تغییرات ریشه‌ای در ارزش‌های اساسی و تاریخی ملت، و وحدت ملی، تمامیت ارضی، و استقلال آن پدید آورد.

تهدیدها، جدا از عوامل مؤثر بر تصور آنها و ابعاد روان‌شناختی - اجتماعی آنها، مانند تجربیات تاریخی، ابعاد ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و محیط داخلی، از نظر منشأ و سرچشمه آنها، دو دسته هستند:

- ۱- تهدیدهایی که بیرون از مرزهای بین‌المللی کشور، نظام درونی را هدف قرار می‌دهند؛
 - ۲- تهدیدهایی که منشأ درونی دارند و ثبات نظام را از درون هدف قرار می‌دهند.
- به‌طور معمول، تهدیدهای بیرونی، دربرگیرنده تهدیدهای مستقیم و غیر مستقیم است. در تهدید مستقیم، دشمن یا دشمنان از راه‌های گوناگون و با استفاده از ابزارهای نظامی، سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی، و اطلاعاتی، سعی در وادار نمودن دولت مورد تهدید به اطاعت «هستند». عملیات اطلاعاتی و جاسوسی، اقدام‌های خرابکارانه، جنگ روانی، جنگ کم شدت، عملیات ایذایی و ممانعتی دریایی، ضربه‌های محدود هوایی و موشکی، تجاوز محدود مرزی، و در نهایت جنگ منظم همه جانبه در گروه تهدیدهای مستقیم خارجی^۱ جای می‌گیرند.

انواع تحریم‌ها مانند تحریم تجاری و اقتصادی، بلوکه کردن، ممانعت جهت استفاده از تسهیلات ترانزیتی، قطع کمک، و تلاش برای منزوی ساختن دولت در شمار تهدیدهای غیر مستقیم به حساب می‌آیند. چون تاکنون تهدیدهای بیرونی یا جانبی، بزرگترین تهدید برای بیشتر دولت‌ها بوده اند، بنابراین نگاه استراتژیک دولت‌ها بیشتر بیرونی است.

اما پرسش اصلی این پژوهش جایگاه موقعیت جغرافیایی در میزان تراکم و فشردگی تهدیدهای جانبی و در نتیجه تأثیر آن بر امنیت ملی دولت - کشورها است. مسلّم است که چشم اندازهای امنیتی دولت، مؤلفه‌های پیچیده‌ای است که ریشه در جغرافیای امنیتی کشورها دارد؛ بنابراین، کارکرد موقعیت جغرافیایی تنها به عنوان متغیری واحد و در عین حال تأثیرگذار بر سایر عوامل مؤثر در امنیت ملی مورد بررسی است.

تهدید و موقعیت

بر اساس واقعیت‌ها و تجربه‌های کسب شده در جریان تهدیدهای بین‌المللی سدهٔ اخیرین موقعیت جغرافیایی دولت‌ها و میزان تهدیدپذیری و امنیت ملی‌شان شش رابطهٔ زیر برقرار است:

۱- تعداد همسایگان و تراکم تهدید

امنیت دولت - کشورها از نظر تهدیدهای پیرامونی، از جمله تابعی از تعداد دولت‌های همجوار است. تجربه نشان داده است که هرچه تعداد همسایگان کشوری بیشتر باشد، تمرکز و دلمشغولی دولت و شهروندان بر مسایل امنیت ملی نیز بیشتر است. برعکس «تجربه نشان داده است که کشورهایی که در قسمتی از خاک خود با دریا مجاورت دارند و در نتیجه همسایگان کمتری دارند، با مشکلات مرزی کمتری مواجه شده، بهتر می‌توانند استقلال خود را تأمین نمایند.^۲ ریچارد سن ریاضیدان نیز استعداد روابط بین ناحیه‌ای، از جمله منابع مشاجر را تابع تعداد همسایگان دانسته و می‌نویسد: «در کشوری مانند آلمان با ۹ کشور مجاور در قلمرو خود،

نسبت به کشورهای دیگری مانند پرتغال تنها با یک همسایه، بسیار بیشتر امکان حدوث مشاجره وجود دارد.^۳ همچنین، «ایران که به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است.»^۴ با گرفتاری دایمی ناشی از افزایش ظرفیت‌های مشاجره روبرو بوده است.

در واقع با افزایش تعداد همسایگان، امنیت دولت، دست‌کم به صورت بالقوه از منظرهای زیر مورد تهدید قرار می‌گیرد:

الف - صدور بحران: هر دولتی می‌تواند، اثرات فوری اغتشاش‌ها و ناامنی‌های همسایگان را در سرزمین خود انتظار داشته باشد. برخی دولت‌ها با صدور بحران به همسایگان، در واقع جنگی اعلان نشده، غیرمستقیم و اغلب ناخواسته را علیه همسایه خود راه می‌اندازند. اثرات بحران‌های شمال عراق بر اوضاع امنیتی آذربایجان غربی و کردستان در ایران، گستردگی بحران‌های متعدد افغانستان بر پاکستان، ایران، و آسیای میانه و تأثیر بحران قره‌باغ بر شمال غرب ایران، نمونه‌های عینی صدور بحران‌های پیرامونی است.

ب - پیچیدگی تعاملات: تعداد همسایه با تعدد توقع و انتظار همراه است. دست‌کم این موقعیت با گرفتاری‌های ناشی از هماهنگی سیاست‌ها مواجه است. در این مورد باید گفت: «مسئله کشوری که در چنین موقعیتی قرار گرفته است، باید در اعمال سیاست خارجی خود بسیار ماهر باشد تا بتواند روابط خارجی خود را با کشورهای بی‌گانه که اغلب دارای خواست‌های متناقض می‌باشند، حفظ نماید؛ در غیر این صورت، همیشه احتمال ایجاد اتحاد و اتفاق بین کشورهای همسایه علیه سیاست کشور مورد نظر وجود دارد.»^۵

امتداد منابع طبیعی به ویژه منابع هیدروکربوری در دو سوی مرزهای بین‌المللی، تعدد دیدگاه‌های ژئوپلیتیک همسایگان، امتداد منابع انسانی بین دو یا چند کشور، و امتداد علایق مذهبی تا آن سوی مرزهای بین‌المللی، بخشی از تنگناهای ناشی از تعدد علایق و منافع همسایگان نسبت به یکدیگر است، که با افزایش شمار آن‌ها، بر تعداد تضادها نیز افزوده می‌شود.

ج - تعدد همسایه، تعدد جنگ: بیشتر جنگ‌هایی که بین سال‌های ۱۹۴۵ - ۲۰۰۰ رخ داده است، بین کشورهایی بوده که دست‌کم دارای همسایه بوده‌اند، جنگ‌های هند - پاکستان، اسرائیل (رژیم اشغالگر) - مصر، ویتنام - چین، عراق - ایران، و عراق - کویت، مصداق‌های جالب توجهی هستند. برعکس ایالات متحد با داشتن تنها دو همسایه در مرزهای خشکی از

بسیاری تنگناهای سیاسی ناخواسته به دور مانده است. استرالیا، زلاندنو، اندونزی و سیشل، نیز که فاقد دولت‌های همسایه در خشکی هستند، از این نظر گرفتاری چندانی نداشته‌اند. در واقع تعداد همسایه‌های زیاد برای کشورها، شبیه زندگی در محله‌های شلوغ شهر است؛ اما وقتی وضع بدتر می‌شود که همسایگان، فقیر و کمتر توسعه یافته باشند. در این صورت همسایگان فقیر منبع مستمر، پایدار و کنترل ناپذیر صدور انواع بحران و تنش به شمار می‌روند.

در مجموع «تعداد همسایگان»، زمینه مناسبی برای افزایش اختلاف‌های دولت‌های همسایه مهیا می‌سازد. اختلاف‌های ارضی و مرزی، اختلاف بر سر منابع مشترک نفتی و حقایق رودخانه‌های مرزی، مسایل عملکردی مرز، و برخوردهای ایدئولوژیک، اغلب بین دولت‌های همجوار معنی و مفهوم قابل لمس می‌یابد. در واقع بین تعداد همسایگان و افزایش تقاضاها ارتباط مستقیمی وجود دارد.^۶

۲ - امنیت ملی و میزان ثبات منطقه‌ای

بین امنیت ملی کشورها و میزان ثبات نظام‌های سیاسی منطقه‌ای ارتباط کاملاً مستقیمی برقرار است. بدین معنی که تشکیل جزیره ثبات در دریاها یا ناامن منطقه‌ای، ناممکن و یا ناپایدار است؛ برعکس ناآرامی و بحران‌زایی موردی، در مناطق باثبات دوام چندانی نخواهد داشت. جدول ۱ نمایانگر چشم انداز سیاسی - امنیتی مناطق جغرافیایی جهان است. مسلم است که استفاده از قوه قهریه، از جمله وقوع جنگ کم شدت در اروپای غربی و آمریکای شمالی با دخالت‌های فوری و گسترده بین‌المللی و منطقه‌ای مواجه و تحت کنترل قرار خواهند گرفت و در صورت کنترل نشدن، احتمال گسترش و پیدایش جنگ بزرگ محتمل است. وقوع جنگ‌های نیابتی نیز در اروپا و اقیانوسیه، بسیار بعید است، زیرا کشورها از درجه استقلال بالایی برخوردارند.^۷

۳ - امنیت ملی و اتحادیه‌های منطقه‌ای

گاهی خط‌روبارویی‌ها بین اعضا و دست‌یابی به امنیت منطقه‌ای در برابر تهدیدهای پیرامونی، در شمار نتایج ملموس منطقه‌گرایی است. در واقع امنیت منطقه‌ای، ... جوهره‌ای است که از آن حتی برای تعریف شکل‌های منطقه‌ای نیز استفاده می‌شود.^۸ چنان‌که بهترین

نمونه آن در الگوی همکاری امنیتی مشترک اروپایی چه در خلال جنگ سرد و آنچه در اوضاع کنونی مشاهده می شود.

جدول ۱ چشم انداز سیاسی - امنیتی مناطق جغرافیایی جهان

نظام های سیاسی منطقه ای	چشم انداز سیاسی - امنیتی (مقیاس جهانی)
آمریکای شمالی	آرام و باثبات، فاقد بحران فعال
اروپای غربی	آرام و باثبات، فاقد بحران های فعال، واجد بحران های حل نشده
اقیانوسیه	آرام و باثبات، بحران های پراکنده و جزئی
آمریکای لاتین	آرام، منزوی، بحران های غیر فعال و محدود
آسیای جنوب شرقی	به سرعت در حال ثبات، دارای مناطق بی ثبات محدود شده
آسیای شرقی	با ثبات مناسب، دارای بحران های عمیق، خفته و حل نشده
آسیای جنوبی	کم ثبات، با بحران های عمیق و حل نشده
اروپای شرقی	آرام و با ثبات نسبی، در حال گذار با امکان وقوع درگیری های فومی - فرهنگی
آفریقای شمالی	نسبتاً ناآرام، کم ثبات، واجد بحران های نسبتاً بزرگ و حل نشده
آفریقای مرکزی	ناآرام، بی ثبات، با امکان درگیری های فومی بی دربی
آفریقای غربی	بی ثبات، ناآرام، درگیری های عمیق با ماهیت فومی - مذهبی
آفریقای شرقی	کم ثبات، ناآرام با بحران های بین المللی - فومی متعدد
جنوب آفریقا	نسبتاً ناآرام، به سوی ثبات، در عین حال واجد اختلافات بالقوه درونی
جامعه کشورهای مشترک المنافع	کم ثبات، در حال گذار، با بحران های تازه بیدار شده و عمیق
خاورمیانه	به شدت ناآرام، بی ثبات، واجد بیشترین بحران های منطقه ای داخلی و بین المللی

درک این مطلب که حملات نظامی ایالات متحد به نقاط مختلف جهان در فاصله ۲۰۰۲-۱۹۹۰ به طور عمده بر مناطقی تمرکز یافته است که هنوز فاقد ساختار مناسب برای همکاری امنیتی اند، آسان است. گرانادا، پاناما، عراق، سومالی، یوگسلاوی و افغانستان که در این مدت مورد حمله نظامی ایالات متحد بوده اند، در بخش هایی از جهان واقع شده اند که این مناطق فاقد سازمان و تشکل مناسب برای همکاری های امنیتی و دفاعی اند.

این در حالی است که در همین مدت اروپا، آسیای جنوب شرقی و آسیای شرقی که از هماهنگی و اتحاد امنیتی و اقتصادی مناسبی برخوردارند، کمترین تعارضات درونی را نسبت به دیگر مناطق جهان تجربه کرده اند. در همین حال ایالات متحد به رغم تهدیدهای مکرر علیه

Archive of SID
 جمهوری دمکراتیک کُره شمالی به دلیل خطر رویارویی با چین که متحد طبیعی این کشور است، حاضر به عینیت بخشی به تهدیدهای خود نبوده است. از سوی دیگر، تراکم اتحادهای منطقه‌ای، از آنجا که زمینه‌های مناسب و متعددی را برای گفتگو مهیا می‌سازد، سدی در برابر برخوردهای فیما بین است. مقایسه برخوردهای درونی کشورهای خاورمیانه، آسیای جنوبی و آفریقای مرکزی با اروپا، آمریکای شمالی و اقیانوسیه یا حتی آسیای شرقی جالب توجه است.

۴ - امنیت ملی و بار استراتژیک منطقه‌ای

ده‌ها کشور درگوشه و کنار جهان با قدرت ملی متفاوت وجود دارند که نام آن‌ها برای مردم و حتی برخی از سیاستمداران ناآشناست. این در حالی است که حوادث کوچک درهٔ بقاع، ارتفاعات جولان و حتی برخی روستاهای لبنان و شرق عربستان و کویت هر روز یا هر هفته بر امواج سوار می‌شود. کمی کمتر از $\frac{1}{3}$ کشورهای جهان از جمله کشورهای آمریکای لاتین، اغلب کشورهای آفریقایی و کشورهای تسبیحی اقیانوس کبیر، تا کنون فاقد ارزش استراتژیک در مقیاس جهانی بوده و دور از صحنهٔ مناقشات بین المللی قرار داشته‌اند.

در همین حال، کشورهای مشرف بر گذرگاه‌های دریایی، صادرکنندگان اصلی نفت و کانی‌های استراتژیک فلزی، پیرامون خود منطقه‌ای ناامن و شکننده به وجود می‌آورند. در واقع رقابت برای تسلط بر فضای این مناطق، علتی برای استراتژیک شدن آن‌ها است. همچنین کشورهایی که به دلیل موقع جغرافیایی، در حاشیه و جنب مناطق استراتژیک قرار دارند، خواه و ناخواه درگیر گرفتاری‌ها و مسایل رقابتی رقابتی هستند که بر سر تسلط بر فضای سرزمینی و حواشی واقع در این مناطق به هنگام درگیری‌ها بی‌طرفی‌شان به رسمیت شناخته نشده و خواه و ناخواه وارد معرکه‌ها می‌شوند.

۵ - امنیت ملی و دولت‌های ایده‌تولوژیک

همان‌گونه که گفته شده است، «نظام‌های سیاسی مبتنی بر ایده‌تولوژی، در بیشتر مواقع در معرض مبارزه طلبی‌اند. آن‌ها با هر صبغه‌ای، خود را در کانون حمایت‌ها و دشمنی‌های دیگر ملت‌ها و دولت‌ها قرار می‌دهند، به همین دلیل، همواره نگران امنیت خود، پیروان و طرفدارانشان هستند.»^۹ به همین اساس، حاشیه‌های جغرافیایی دولت‌های ایده‌تولوژیک،

معمولاً تا فضای بیرونی قلمرو سرزمینی حاکمیت آن‌ها گسترش می‌یابد. از سوی دیگر دولت‌های ایده‌ئولوژیک در قبال تحولات بین‌المللی واکنش‌پذیر و حساس بوده و بر موضع‌گیری در برابر حوادث و مسایل جهانی، منطقه‌ای و حتی درونی کشورهای دیگر، که ممکن است حتی ارتباطی با امنیت ملی کشورشان نداشته باشد، اصرار می‌ورزند.^{۱۱}

در عین حال، نظام‌های سیاسی مبتنی بر ایده‌ئولوژی، در اغلب موارد در معرض مبارزه طلبی قرار می‌گیرند. در واقع، نظام‌های ایده‌ئولوژیک علاوه بر این که رسالتی تاریخی، ملی و مذهبی یا طبقاتی را برگستراندن تلقیات خود به تمام یا بخشی از انبای بشر قایلند، موجبات تسری غیرت ایده‌ئولوژیک به بیرون می‌شوند و آن‌ها را وادار به افزایش قدرت مانور خود برای برهم زدن نظم موجود می‌نمایند.

در نیم قرن اخیر، کمتر نزاع و خصومت بین‌المللی از جمله جنگی بوده است که ریشه‌ی ایده‌ئولوژیک نداشته باشد. جنگ‌های بالکان، عراق - ایران، حزب‌الله لبنان - اسرائیل، ایالات متحد - ویتنام، و کوبا - ایالات متحده کوبا، حداقل دارای رویه و ظاهر ایده‌ئولوژیک بوده‌اند.

موقعیت اعضای خزری

از تطبیق این عناصر جغرافیایی تهدید بین‌المللی، با موقعیت و وضعیت پنج کشور حاشیه دریای مازندران، نتایجی جالب توجه به دست می‌آید، که می‌تواند مبنای مطالعه‌ای گسترده‌تر باشد.

۱- همان‌گونه که از جدول شماره ۱۱۲ پیداست، روسیه و ایران که به ترتیب دارای بیشترین همسایه در جهان هستند، از نظر تعدد منابع اختلاف‌های فعال و پنهان با همسایگان خود، نیز ردیف‌های اول و دوم را در جدول و به احتمال زیاد در جهان به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که کشور کوچک و نوپای آذربایجان به تنهایی ۱۲ اختلاف‌فعال، نیمه‌فعال و خفته با همسایگان دارد.

تعدد و تراکم اختلاف‌ها در حاشیه خزر، به تدریج زمینه‌تکوین یک منطقه ژئوپلیتیک جدید در اطراف ایران را مهیا کرده است؛ این وضع بر خلاف تصور برخی صاحب‌نظران^{۱۲} به هیچ وجه برای کشورهای منطقه مناسب نیست. به عبارت بهتر، دولت‌ها باید سعی نمایند اثر مناطق ژئوپلیتیک موجود را برطرف و حتی به تدریج آن را زایل نمایند زیرا با شکل‌گیری و تقویت هر منطقه ژئوپلیتیک فضای رقابت آمیز موجود، تقویت خواهد شد.

Archive of SID

۲- پنج کشور ساحلی خزر به اعتبار موقعیت جغرافیایی، گرایش‌های سیاسی، تعاملات کلی تاریخی و نیز تعاملات اقتصادی، به سه منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی، و جامعه مشترک‌المنافع و قفقاز آناتولی، تعلق دارند. بنابراین هنوز منطقه ژئوپلیتیک خزری تشکیل نشده است. در عین حال به دلیل ناآرام و بی ثبات بودن این مناطق و به ویژه شکننده بودن محورهای اتصالی این مناطق با یکدیگر، کشورهای حاشیه خزر، در حال طی مرحله گذاری هستند که می‌تواند چشم‌انداز آتی آن را روشن نماید. اما در حال حاضر روند حوادث و ترتیبات سیاسی نشان‌دهنده سیر این منطقه به سوی ایجاد رقابت و دشمنی‌های نهادینه شده و در نتیجه تبدیل آن به یک منطقه ناخواسته ژئوپلیتیک است. شکی نیست که تکوین این منطقه ژئوپلیتیک، زمینه و بستر دلمشغولی استراتژیک دیگری برای کشورهای حاشیه خزر و از جمله ایران فراهم خواهد آورد، که توان آن‌ها را برای رویارویی در دیگر مناطق سُنتی، به تحلیل خواهد بُرد.

۳- غیر از E.C.O که چهار دولت از پنج کشور حاشیه دریای خزر را در سازمانی غیر کارآمد و کم‌اثر گرد آورده، هیچ سازمان دیگری برای تقویت همگرایی‌های منطقه‌ای هنوز شکل نگرفته است. قراردادهای همکاری‌های دوجانبه بین اعضای حاشیه این دریا، ثمر چندانی در نزدیک کردن و تفاهم دیدگاه‌های آن‌ها نداشته است. در عین حال دیدگاه‌های متفاوت و حتی متضاد ژئوپلیتیک و اقتصادی این کشورها در زمینه‌های میزان و نحوه همکاری و هماهنگی با ناتو و ایالات متحد و روسیه و اروپا، رژیم حقوقی دریای خزر، مسایل ترانزیتی و دفاعی، موجب بی ثباتی فضای امنیتی این قلمرو شده است.

جدول ۲ اعضای خزری و اختلافات

ردیف	نام کشور	تعدد همسایه	تعداد اختلاف‌های فعال و پنهان با همسایگان
۱	روسیه	۱۶	۴۲
۲	ایران	۱۵	۳۵
۳	ترکمنستان	۵	۸
۴	آذربایجان	۷	۱۲
۵	قزاقستان	۷	۱۱

در عین حال انتظار می‌رود، « در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده، دولت‌های مازندران با تهدیدهای

چندین مورد است: اختلافات فزاینده در توزیع درآمد، نهادهای سیاسی، جوامع مدنی و هویت‌های ملی خام و بی تجربه؛ خرابی‌های زیست محیطی، سرکوب و ستم سیاسی و فقدان ساز و کارهای عملی برای انتقال قانونمند قدرت؛ رشد سریع جمعیت، مناقشه‌ها و تعارض‌های متعدد نسبت به زمینه‌های آب و منابع معدنی و انرژی، تجزیه‌طلبی‌های نژادی، فساد و رشوه‌خواری فراگیر، خیانت و پارتی‌بازی و تقریباً اختلال کامل در ارائه خدمات اجتماعی و سیاسی».

۴- دریای خزر محور ارتباطی قفقاز و آسیای مرکزی است؛ به دلایل ذیل، این منطقه، کانون تجمع علایق و منافع چندین دولت - کشور شده است: موقعیت ژئواستراتژیک قفقاز به عنوان محور و کانون اتصال اوراسیا، عملکرد و ظرفیت‌های آن در تأمین منابع انرژی، نقش کربدوری آن در انتقال منابع هیدروکربنی آسیای مرکزی، ارزش‌های ایده‌ئولوژیک قومی و زبانی آن و نقش امنیتی این منطقه در ارتباط با علایق و منافع روسیه، ترکیه، ایران، ایالات متحد و اتحادیه اروپا.^{۱۳} از نظرگاه مسکو، قفقاز مکمل ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک فدراتیو روسیه است^{۱۴} و با تعدیل حضور ایالات متحد، اروپا و ترکیه در آن، می‌بایست این منطقه مجدداً زیر سیطره سنتی روسیه درآید.^{۱۵}

ایالات متحد نیز برای اطمینان از استمرار روند تلاش روسیه، تضمین استقلال دولت‌های نوپا، متنوع ساختن واردات انرژی، کنترل یکی دیگر از منابع انرژی اروپا، و کنترل ایران و جریان اسلام‌گرایی، وارد این صحنه شده است. ترکیه و ایران نیز هر یک بنا به علایق و منافع خاص خویش، از جمله تلاش برای عبور کربدور انرژی از فضای سرزمینی خود، و مسایل ایده‌ئولوژیک به این صحنه کشیده شده‌اند. در چشم‌اندازی عمومی، بستر جغرافیایی خزر و مناطق حاشیه‌ای آن از جمله موقعیت نسبی آن، سبب داغ و بحرانی شدن تدریجی آن می‌شود.

۴- در حالی که هر سه کشور نوپای آذربایجان، ارمنستان، و ترکمنستان بنا به هویت طبیعی کشورهای تازه استقلال یافته در مسیر ناسیونالیسم تند گام برمی‌دارند و فدراتیو روسیه که به تازگی از سیطره فکری و ایده‌ئولوژیک مارکسیسم - لنینیسم رهایی یافته، در معرض اندیشه‌های ملی‌گرایی روسی قرار گرفته است، جمهوری اسلامی ایران، بر بنیادگرایی دینی به ویژه شیعی اصرار می‌ورزد. در عین حال ترکیه به‌عنوان دیگر بازیگر منطقه‌ای نیز ضمن داشتن رژیم سکولار و حتی لاییک، عملاً مدافع جریان‌های قوم‌گرای پان‌ترکیست است. این درهم آمیختگی ایده‌ئولوژیک که صاحبان آن هر یک منافع و علایق خاص خود را در توسل به آن جستجو

می‌کنند، به نوبه خود زمینه افزایش تهدیدها و در نتیجه بی‌ثباتی منطقه‌ای را مهیا کرده است.

نتیجه

جریان تهدید بیرونی و فراوانی آن، تحت تأثیر مقوله‌های پیچیده‌ای قرار دارند: عواملی که می‌توانند شدت جریان‌های تهدید را تعیین نمایند، تعداد همسایگان، نوع فضای منطقه‌ای، میزان تراکم اتحادها، میزان اهمیت استراتژیک منطقه، و تعداد و قدرت دولت‌های ایده‌نولوژیک. اغلب این ابزارها، عوامل جغرافیایی بزرگی هستند که حتی ساختار امنیت ملی را نیز زیر تأثیر قرار می‌دهند. به همین دلیل شناخت موقع کشور در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای کم کردن تنش‌ها و تخفیف تهدیدها، برای گسترش همکاری‌های امنیتی و دفاعی و یافتن متحدان مقتدر به عنوان محور تدوین استراتژی کشورهای این منطقه، پذیرش عام یافته است.

پی‌نوشتها

- ۱ - کریمی‌پور، بدالله؛ «روش شناخت مناطق استراتژیک کشور»، طرح پژوهشی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی، ۱۳۷۶، ص ۵۵.
- ۲ - میرحیدر، دُرّه؛ اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵.
- ۳ - هاگت، پیتر؛ جغرافیا ترکیبی نو، شاپور گودرزی نژاد، تهران، سمت، ۱۳۷۶، جلد دوم، ص ۳۷۸.
- ۴ - کریمی‌پور، بدالله، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۳.
- ۵ - اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، پیش‌گفته، ص ۱۲۶.
- ۶ - مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، پیش‌گفته، ص ۱۷.
7. Cohen, Saul: *Geography and Politics individed world*, (London: Methuen and Co; Ltd, 1964).
8. Buzan, B. *people, states and fear: An Agenda for international security*, 1991.
9. Gellner, E; (1983): *Nations and Nationalism* , Basil blackwell, Oxford. P32.
- ۱۰ - مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، پیش‌گفته، صص ۲۶-۲۷.
- ۱۱ - منابع این جدول تعددند از جمله:
- الف - مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، پیش‌گفته.
- ب - عشقی، ابوالفضل - قنبرزاده، هادی: ویژگی‌های جغرافیای آسیای مرکزی و قفقاز، مشهد، نیکا، ۱۳۷۳.
- ج - شیخ عطار، علیرضا: ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور

- د - امیراحمدی، بهرام، جغرافیای قفقاز، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵. *Archive of SID*
- ه - امیدوارنیا، محمدجواد؛ «نگاهی به امنیت در آسیای مرکزی و مالحظاتی در باب آن» تهران، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، بهار ۱۳۷۳.
- ۱۲ - صفوی، سید یحیی؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۸، صص ۶۹-۷۰.
- ۱۳ - مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، پیش‌گفته، صص ۲۰۶-۲۰۷.
14. Chorbajian, L: *The caucasian kant: the history and Geopolitics of nagorn - karbakh* (newyork:zed books, 1996).
- ۱۵ - ایوگبالی، ویکتور: «نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا در آسیای مرکزی»: مجله سیاست دفاعی، سال هشتم، شماره‌های ۲۹ و ۳۰، زمستان و بهار ۷۸ و ۷۹، صص ۷۵ الی ۸۶.